

## عنوان مقاله:

نماد شناسی خورشید در مثنوی

## محل انتشار:

پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت، دوره 7، شماره 2 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 20

## نویسندگان:

افسانه سعادت - مدرس مراکز علمی کاربردی و جهاد دانشگاهی استان اصفهان

پروین گلی زاده - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

مختار ابراهیمی - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه شهید چمران اهواز

## خلاصه مقاله:

آنچه در این نوشتار قصد پرداختن به آن را داریم، پژوهشی است درباره مهم‌ترین نماد در گستره اندیشه و زبان «جلال‌الدین محمد بلخی» که به طرزی ظریف و خلاقانه، چشم‌نواز و پرسش‌برانگیز در بیشتر آثارش به‌ویژه مثنوی به کار رفته و شایسته بازنگری است. بازخوانی و بازنگری این تصویر می‌تواند زمینه‌های پژوهشی تازه‌ای را در آثار مولوی فراهم کند. خورشید و نور در نظام اندیشگی مولوی با انگاره‌ها و باورهای دینی، عرفانی، اسطوره‌ای در هم آمیخته است و به وجهی خاص تبلور یافته و از این روی یکی از امتیازات شعری وی محسوب شده است. هنگامی که نمادهای بنیادین اندیشه مولوی را با توجه به دانش نمادشناسی مورد تحلیل قرار می‌دهیم به ژرفای شگفت‌انگیز نوع خاص تفکر این عارف سمبل‌گرا بهتر پی می‌بریم؛ چرا که منشوری از نمادهایی که با خورشید گره خورده‌اند و گرد این کانون به حرکت در آمده‌اند، اندیشه وحدت‌گرای او را به خوبی به نمایش می‌گذارند. مولوی به مدد تصویر خورشید، وحدت پنهان در باطن این عالم را به نمایش گذاشته و با روان‌کاوی خلاقانه و هنرمندانه به حل تعارض‌های درونی و روانی پرداخته است. خورشید نه تنها توانسته روان آدمی را در سر حد کمال و زیبایی قرار بدهد بلکه موجب افزایش قدرت، معنویت، امید و بینش نیز شده است.

## کلمات کلیدی:

نماد شناسی، مثنوی، مولوی، خورشید، وحدت

## لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1321708>

